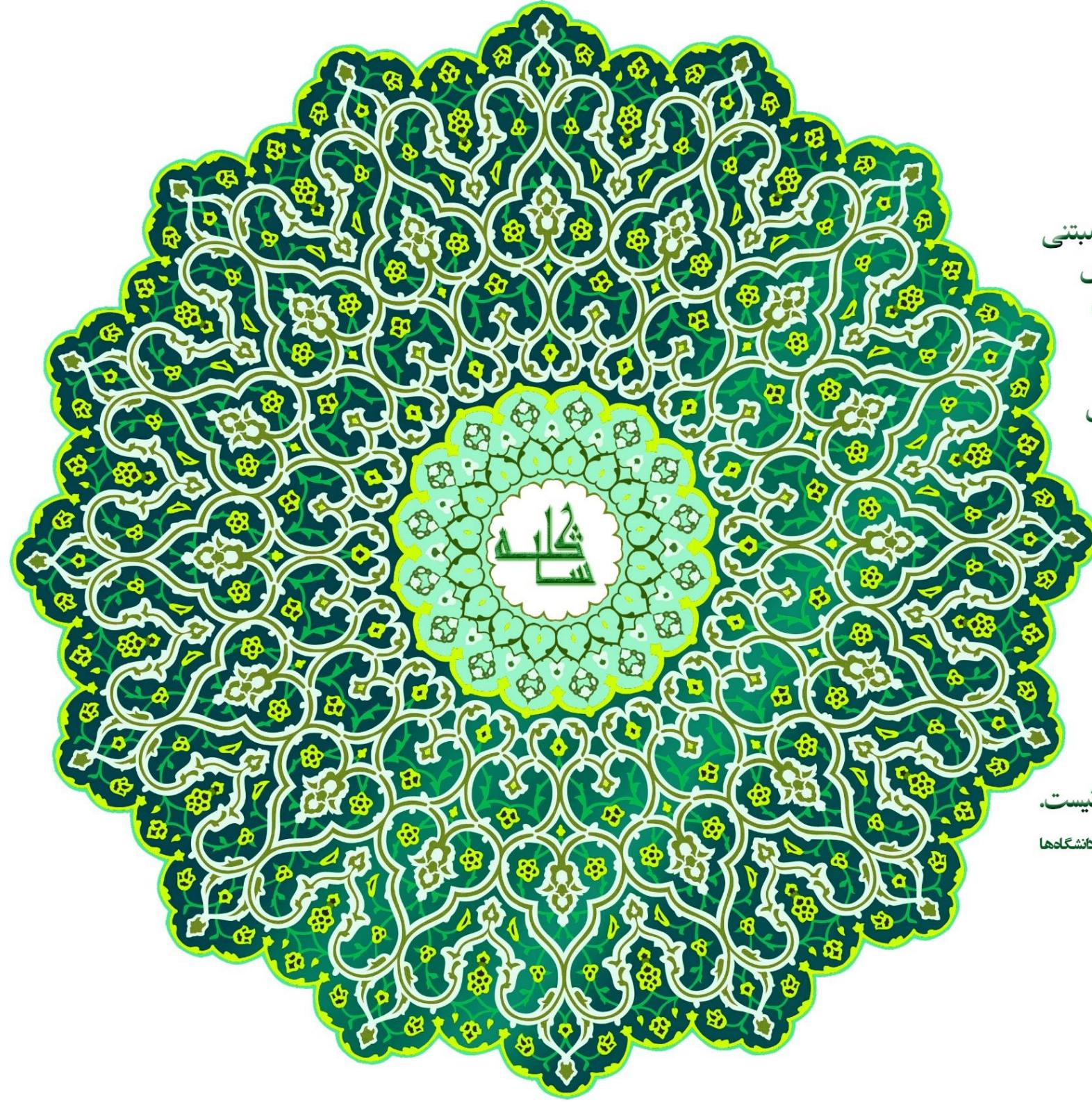


بسیار از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه هائی هستند که مبنایش ملایری است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غریب‌ها گفتند و نوشته‌ند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، درواقع شکایت و تردید وی اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و لازش‌های خودمان را در قلب‌های درسی به جوان‌ها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی نیست.

بيانات مقام معظم رهبری در دیوار با جمعی از اساتید دانشگاهها
۱۳۸۸/۸/۶



خلاصهی برخی فعالیت‌های کانون در سال ۹۴-۹۵

افتتاح اتاق کانون
در دانشکده

تجهیز کتابخانهی کانون
به کتب و مقالات در زمینه‌ی
تحول در علوم انسانی
و...

درباره اشتراک
نشریات تخصصی
مرتبط با کانون

ثبت رسمی گاهنامه‌ی
شاکله در نشریات
دانشگاهی دانشگاه
تهران

برگزاری نشست مروری بر
روانشناسی اسلامی با حضور
حجت الاسلام و المسلمین دکتر
مسعود آذربایجانی
آذر ۹۴

برگزاری کلاس‌های هفتگی
با موضوع فلسفه علم
با حضور آقای دکتر سید
محمد تقی موحد ابطحی
بهمن و اسفند ۹۴

آنچه در این شماره می‌خوانیم...
می‌سازیم یا می‌سازیم؟
لطفاً منظم نباشد...
گفتاری در بازشناسی رابطه‌ی دین و روانشناسی
مصاحبه با جناب آقای دکتر پورحسین
معرفی رشته‌ی روانشناسی اسلامی
دانشگاه قرآن و حدیث
معرفی کتاب «نشت نشا»

گاهنامه شاکله
سال سوم، شماره‌ی دوم
صاحب امتیاز:
کانون روانشناسی اسلامی
دانشگاه تهران
مدیر مسئول:
سجاد ایرجی
سردبیر:
زینب زاکانی
طراح صفحات:
دانیال مزیدی
طراح جلد:
زینب زاکانی
ویراستار:
هانیه احمدی

الله
زینت
الحمد

سخن مدیرمسئول

سجاد ایرجی

۱- مخالفان فیلسوفان مدرن از علم دینی: این دسته از متفکرین برای علم ماهیتی غیر ایدئولوژیک و غالباً پوزیتیویستی را متصورند و همچنین معتقدند که علم از یک مسیر واحد تبعیت می‌کند. اکثر متفکرین موجود در این رویکرد در ایران باوجود اینکه اساتید بسیار ارزشمند و ممتازی هستند، اما در علوم انسانی غالباً سهم چندانی در تولید علوم نداشته و ندارند و صرفاً شارحان و معلمین خوبی برای بیان نظرات سایر متفکرین می‌باشند.

۲- موافقان علم دینی با رویکردهای نقلي: این دسته از اندیشمندان را اغلب بنام اخباری می‌شناسند، لکن گفتنی است، همه‌ی این اندیشمندان اخباری نیستند، در این رویکرد این اعتقاد وجود دارد که تنها ساحت علم دینی استفاده از نقل‌های موجود در منابع دینی است و هر توصیف و تبیین دیگری غیر از بسط ظاهر این آیات و روایات پذیرفته نیست.



علم در فرهنگ ما با معانی مختلفی چون آگاهی، ادراک، شناخت، فهم، معرفت و... بکار می‌رود، بیشتر این مطالب را در تعریف عموم مردم از علم می‌توان یافت؛ هرچند بعضی این اصطلاحات در محافل دانشگاهی و به اصطلاح آکادمیک نیز استفاده می‌شود؛ که به طور کلی در معنای آن، ابهام در فهم وجود دارد، حتی واژه science که معادل علم در زبان لاتین است، نیز حاوی ابهام است؛ اما در یک معنای کلی و دقیق‌تر می‌توان در رابطه با علم چنین جمله‌ای را بکار برد: علم یعنی کشف حقیقت و راه وصول به آن یا حتی می‌توان گفت که علم طریقه نظام‌مند درباره نگرش انسان به پدیده‌ها است که با روش‌های مختلف به دست می‌آید. همچنین علم ماهیت‌های گوناگون دارد که توصیف و بیان آن در این نوشه ممکن نیست؛ و اما تعریفی از علم دینی وجود دارد، همان‌طور که از این واژه برمی‌آید حاوی دو مفهوم است: علم (کشف حقیقت) و دین (برنامه جامع زندگی فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی) منظور از علم دینی و بومی‌سازی علم نیز صرفاً تعویض اصطلاحات نیست. بلکه استفاده از نگرش‌های توحیدی و بهره‌گیری از روش‌ها و منابع وحی در تولید و به کارگیری علوم است. حال قصد تعریف و بسط این مفهوم را نداریم، چراکه در مقالات موجود در نشریه، مطالب مرتبط موجود است؛ اما تصمیم دارم تا چهار جریان اصلی در رابطه با علم دینی را با توجه به یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود (تقسیم‌بندی حجت‌الاسلام و امسالین دکتر خسرو پناه) بیان کنم:



سال سوم، شماره‌ی دوم، اردیبهشت ۹۵

خوانندگان محترم نشریه‌ی شاکله:
شما می‌توانید پیشنهادها و انتقادهای خود را از دو طریق با ما در میان بگذارید:
- نوشتن نظرات در قسمت مشخص شده در انتهای نشریه و تحويل آن به مسئولین کانون
- ایمیل نشریه به آدرس eslamiravan.shakele@gmail.com
یقیناً نظرات شما موجب پیشرفت و بهبود شماره‌های بعدی نشریه خواهد شد.
همچنان دوستانی که در زمینه‌ی محتوایی یا بقیه‌ی قسمت‌های نشریه (طراحی، ایده پردازی و....) تمایل به همکاری مستمر دارند؛ لطفاً به دفتر کانون مراجعه فرمایند.

برای عضویت در سامانه پیامکی کانون روانشناسی اسلامی دانشگاه تهران، کد @نام @نام خانوادگی را به سامانه پیامکی ۱۰۰۰۰۱۱۰۱۱۴۳۱۳ ارسال بفرمایید.

رایانame کانون

واحد آموزش

واحد تبلیغات

eslamiravan@gmail.com

eslamiravan.amoozesh@gmail.com

eslamiravan.tt@gmail.com

سخن مدیرمسئول ادامه...

سجاد ايرجى

۳- موافقان فيلسوفان پست مدرن: دنبال کنندگان اين رويکرد در ايران به يك تعبيير، دنباله‌ي تفكير انديشمندانی چون پوپر هستند، اين دسته از انديشمندان برای علم ساخته‌های گوناگون و پارامترهای گوناگون متصور هستند، يعني علم با منطق‌های گوناگون و روش‌های مختلف و متفاوت روپرداز است و جهان‌های متفاوت قابلیت ادراك علم را دارند؛ و با توجه به اين نسبت‌گرایی در عرصه معرفت‌شناختی، علم دینی به عنوان يك پارادایم برای علم قابل تصور است.

۴- موافقان علم دینی با رویکرد غرب گزینی انتقادی: اين دسته از انديشمندان معتقدند که دستاوردهای علمی دانشمندان در جهان بخصوص انديشمندان غربی قابل انکار نیست و همچنین در صورت تعییر برخی از مبانی و پيوست اموری چون اخلاق دینی به علم قابل استفاده‌اند. اين دسته از انديشمندان به دنبال بومي‌سازی علوم بخصوص علوم انساني هستند. به پيوست همين جريان يك دسته از انديشمندان معتقدند که با روش‌های مختلف می‌توان از نصوص دینی هم معلم دینی استخراج کرد.

با توجه به نکات ارائه شده در اين شماره‌ي نشيري شاكله به دنبال آن هستيم تا برخی از زواياي علم دیني و رابطه آن با روانشناسي و تعليم و تربيت را به کوشش برخی از دانشجويان معهود با راهنمائي‌های استايد مبرز و ممتاز بسط دهيم.

سخن سردبیر

زيتب زakanی

حداقل دو دنيايم... دنيا ديني و دنيا مدرن... دو دنيا يك كه در مبانی و اصول خود داراي اختلافاتي جدي و اساسی هستند... كافيست كم فكر كنی تا منظورم را متوجه شوي...

مي‌سازيم
يا
مي‌سازيم؟

چند سليقگي، چند مرجعی، چند روشی، چند پاسخی و دشوارتر از همه، چند دنيا يك... شايد باكمي مسامحه بتوان به جاي قام اين «چند» ها از پيشوند «بي» استفاده کرد... گاهی چند پاسخ داشتن مثل پاسخی نداشت است و چند سليقگي عين بي سليقگي...

اگر داشتی در اين نظام آموزشی کنکور می‌دادی و احياناً! در ميان سؤالات استاندارد! کنکور، چشمت خورد به سؤالي که برايش دو يا چند پاسخ داشتی و دل را به دريا زدي و همه‌ي گزينه هاي که به نظرت درست بودند پر کردي، اگر يادت باشد، طبق قوانين تصحيح آزمون، مثل کس در نظر گرفته می‌شوي که جوابي به اين سؤال نداده و چند پاسخی‌ات دقيقاً برابر است با بي‌پاسخی...

اگر از بنفس و نارنجي و طوسی خوش بيايد و موقع پوشیدن لباس، شلوار طوسی بپوشی و مانتوی نارنجي و روسري بنفس، کسی به اين فکر نمی‌کند که تو در انتخاب رنگ، به اصطلاح چند سليقه‌اي... می‌شوي مصدقاق كامل آدم بي‌سليقه... خوب که نگاه کنی متوجه می‌شوي که دوربر ماء، پر است از چنین چيزهایی که در آن، چند روشی و چند مرجعی، عين بي روشی و بي مرجعی است...

شايد بتوان در برخی موارد با چند سليقگي و چند پاسخی... تا حدی کنار آمد، ولی... امان از چند دنيا يك... وضعیتی که شده حال و هوای اين روزهای اکثریت جامعه‌ي ما... اکثریت ما اين روزها حتی اگر خودمان هم بي خبر باشيم، پرورش‌يافته‌ي يك دنيا نیستیم و از هنگام تولد، در حال مواجهه و دست و پنجه نرم کردن با

باشد که روزی شاهد تلاش‌های بيشتر در اين زمينه و ساير زمينه‌های علمی باشيم؛ و در راه پيروی از اصول ديني و اخلاقی حرکت کرده و در اصلاح نفس خويش بکوشيم.

ملتمس دعای فرج/ياحق

۹۵/۱/۲۶



مریض که می‌شوي، هركسي را که می‌بینی، يك نسخه برایت می‌بیچد، يك طب جديد و فلان دکتر متخصص فارغ‌التحصیل شده از فلان دانشگاه معتبر خارجي، دیگري طب سنتي... آن يك طب اسلامي و... و... دودو تا چهارتاي زندگي خودت باهم جور در نمایيد و برمي خوری به اين جمله که صدقه دادن، روزی را زياد می‌کند... از بچگي چنين جملاتي را در مدرسه و مسجد و تلویزیون و... شنیده‌اي و قبولش داري... ولی اگر هنگام تصمیم گيري با حساب کتاب اين دنيا يك و ديدگاه جهان مدرن، نگاه کنی که احتمالاً می‌کنی، دلت نمایيد دست به جيб شوي...

مي‌خواهي ازدواج کنی ويادت مي‌آيد که هميشه از زبان دين شنیده‌اي که در ازدواج، ماديات و مسائل اقتصادي اصل نیست... ولی يك‌دفعه با خودت فکر می‌کنی که مگر بدون پول هم می‌توان در چنین جامعه‌اي قدم از قدم برداشت؟

سخن سردبیر ادامه...

زینب زاکانی

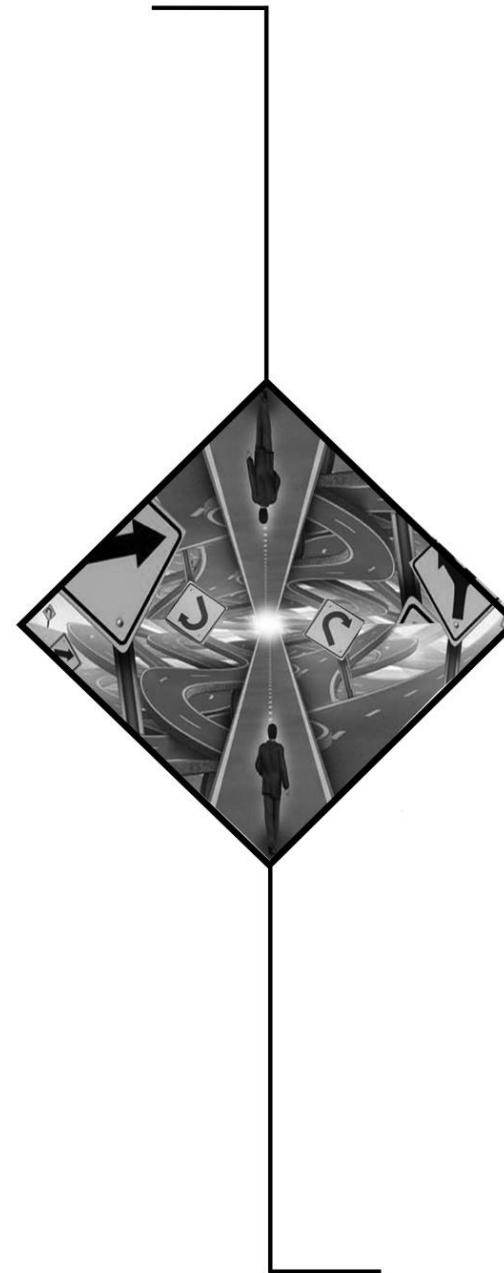
همهی چیزهایی که گفتم یعنی چند دنیابی...
تناقض‌های فکری و عملی و کلنجر رفته‌های گاه و
بی گاه ما با خودمان یعنی چند دنیابی... بهترین
واژه برای توصیف وضعیت کنونی جامعه‌ی ما، می‌
شود چند دنیابی و بازهم می‌گوییم، امان از این چند
دنیابی که از بچگی با آن خو گرفته‌ایم و عادت به
آن شده منشأ بیشتر و شاید هم تمام مشکلات امروز
جامعه‌ی ما...!

البته ناگفته نماند که این دست خود ماست که بین
ساختم با شرایط موجود، یا ساختن آینده و
کشورمان، کدام را انتخاب کنیم....
فکر کم دیگر متوجه شدی چه می‌گوییم...
در جامعه‌ای که مردمش متعلق به دوجهان
متفاوت‌اند، حتی تکلیف «ساختم» هم معلوم
نیست!!!

راستی تو کدام را انتخاب می‌کنی؟

میسازی یا میسازی؟

و من الله التوفيق...
۹۵/۱۲۹



لطفاً منظم نباشد...

صادق رمضانی زاده

اولین بار پیرمرد باغبانی که شاگردی اش را می‌کرد
یادم داد که حساب و کتاب ندارد. گفت خاک زبان
دارد، به جای اینکه از من بپرسی از خودش بپرس کی
وقت آب دادن است. هر گلدانی هر وقت تشنۀ
باشد، خاکش خشک می‌شود و وقت آب دادن است.
یک وقت‌هایی هر روز یک وقت‌هایی چند روز
یک‌بار...

بعدها در تعریف یادگیری اندیشمندان غربی همین
را خواندم که کمال یادگیری در تسهیل مسیر یافتن
برای متربی است که در آن یادگیری متربی اصل
است نه مربی و قوانین آموختی.

اصلًاً ما را نسبت به پیراموهان «کر» و «کور»
تریبیت کرده‌اند. این هم دست‌پخت همان آموختش
و پرورش اجباری است که در مقاله قبل به مذاق
برخی خوش نیامد. همه‌چیز کوکی است. فکر کرده
ایم نظم یعنی «همه‌چیز در فواصل یکسان مثل
دیگران!» و ای از این «مثل دیگران!» عاشقی در
فواصل یکسان، غذا خوردن در فواصل یکسان، سرکار
رفت در فواصل یکسان، خوابیدن در فواصل یکسان،
همه‌چیز از بیخ یکسان... این شد زندگی منظم!!
یکسان یکسان ... تکرار تکرار کرار رار ار رر
غذا روزی سه وعده... حالا بگویی من الان گشته‌ام
می‌گویند تا ناهار دو ساعت مانده! وقت ناهار هم
برسد گشنه نباشی هم، باید خورد چون دو ساعت
بعدش وقت ناهار نیست و فرصتی نیست. اگر

غیرازاین زندگی کی مغایر با «نظم» زیستی. حالا
بگو این نظم از کجا دیکته شده؟! دیگر محل صدور
آن چقدر بومی من است دیگر مهم نیست.
اصلًاً در این شیوه زندگی خارج از این چارچوب
نمی‌شود زندگی کرد. قیدهای تحمیل شده بر تو
آن قدر متعدد است که ناگزیری خودت را در همان
قالب جبس کنی. زندگی امروز ما یک ارزش دارد و
آن هم در یک کلمه خلاصه می‌شود «کار + مند».

صادق رمضانی زاده



حتی «دانش جوی» هم کارمندگونه اش مقبول است؛ یعنی مدت یکسانی، حرفهای تکراری را، بخوانی برای رسیدن به درجه‌ای یکسان. همه با انواع مختلف سواد می‌شود لیسانس، فوق لیسانس، دکتری، حالا تایز دکتر فهمیده، با دکتر درس حفظ کرده دیگر عیان نیست. دکتر شدی رفت. زورچیان خواندی یا با عشق. فهمیدی یا نفهمیدی. خلاقی یا نیستی شده‌ای مهندس. این می‌شود کارمندی. همه‌چیز در ازای مزد یکسان. در فوائل یکسان. از ساعت ۸ تا ۱۶ می‌شود کار! حالا در این حدفاصل چه تمايز و كييفتی بين افراد هست می‌شود فرع ماجرا. حضور فلان قدر ساعت در داشکده می‌شود تکلیف هیئت‌علمی، حالا علم کجا، تایز کجا، کیفیت کجا دیگر مسئله اصلی نیست. قواعد یکسان، فوائل یکسان.... همین!



نمی‌دانم... شاید این متن هم زاده خشم نهفته اجتماع کوب و آثارشیست گرای من است و جا دارد عزیزی بباید و بگوید نگارنده این سطور را به تقوی توصیه می‌کنم... اما هرچه هست امروز احساس می‌کنم تربیت بدون توجه به دنیای تربیت شونده، چقدر مزاحم زندگی طبیعی و فطری انسان شده است. جایگزینی «زندگی کوکی» بجای «زندگی طبیعی» مصیبت بزرگی است که زاده تربیت اجباری و همگانی است.

گفتاری در بازشناسی رابطه‌ی دین و روانشناسی

محمد مهدی کرباسچیان

تفسیری روانشناسی در محدوده‌ی وسیع دین^۱ (Wolff, ۲۰۱۰, ۷۳۲). روانشناسان دین از منظری روانشنختی به بررسی مقاهیم، تجارب و رفتارهای دینی می‌پردازند و دین را به عنوان یک پدیده‌ی عینی مورد بررسی تجربی قرار می‌دهند. عمدی ادبیات نظری حوزه‌ی «روانشناسی و دین» نیز با همین رویکرد تدوین شده است. به لحاظ تمدنی نیز، بسیاری از متوفکرین یا دانشمندان مسلمان، هنگام مواجهه با علم مدرن، تلاش کرند با اتخاذ چنین رویکردی ضمن پاییندی به اصول علم جدید، از ساحت دین، دفاع علمی کنند. یکی از جریان‌های فعلی اسلامی‌سازی علوم انسانی نیز با همین رویکرد به تولید علم مشغول است.



۱. به عنوان مثال، می‌توان به همخوانی حداقلی عقاید اسلامی با عقلانیت در مقایسه با تأکید الهیات مسیحی بر ایمان‌گرایی و همچنین سابقه‌ی درخشان حکومت‌های اسلامی در تولید علوم و گسترش علم آموزی در مقایسه با تجربه‌ی تاریک کلیسا‌ی قرون‌وسطی در علم ستیزی اشاره کرد. این قبیل ویژگی‌ها باعث می‌شود سخن گفتن درباره‌ی امکان، ضرورت و چگونگی تولید علم روانشناسی اسلامی احتمالاً متفاوت از سخن گفتن درباره‌ی امکان، ضرورت و چگونگی تولید علم روانشناسی مسیحی باشد.

۲. هرچند ممکن است بتوان رویکردهای دیگری نیز احصاء کرد. در این مورد ر.ک: Wolff, ۲۰۱۰, ۷۳۲،

Psychology of Religion.^۲
Wulff.^۴

سخن گفتن از روانشناسی اسلامی و تلاش برای تأسیس این رشته‌ی علمی، بدون شناختن مختصات آن ممکن نیست و می‌دانیم که این شناخت، صرفاً از شناختن تک‌تک اجزای تعبیر روانشناسی اسلامی به دست نمی‌آید. برای مشخص شدن حدود و تغییر روانشناسی اسلامی لازم است رابطه‌ی روانشناسی و اسلام و دریانای کلی‌تر، رابطه‌ی روانشناسی و دین روش‌گردد. در این گفتار برآئیم تا رویکردهای مختلف مطالعات دین و روانشناسی را بیان کرده، نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام‌شده در هر یک از این حیطه‌ها را عنوان نموده و امکان تحقیق رویکردهای جدی‌تر را نیز مختصراً بررسی کنیم.

گفتنی است ذیل این بحث، رابطه‌ی روانشناسی و اسلام نیز تا حدود زیادی روش خواهد شد؛ هرچند اختصاصاتی نیز برای دین اسلام متصرور است که باعث می‌شود در مقایسه با ادیان دیگر، دلالت‌های متفاوتی در ارتباطش با روانشناسی به وجود آید؛ اما تفصیل این اختصاصات، از حوصله‌ی این گفتار خارج است.

در ادامه به چهار نوع رویکرد متفاوت در مطالعات روانشناسی و دین خواهیم پرداخت، ۲ رویکرد اول را مبسوط‌تر توضیح خواهیم داد و بسط رویکردهای دیگر را به مطالعه‌ی بیشتر شما دانشجویان بزرگوار موکول می‌کنیم.

رویکرد اول: روانشناسی دین^۳ دین در طول تاریخ یکی از تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی بشر بوده است. از این‌رو، روانشناسان نمی‌توانند نسبت به مطالعه‌ی آن غافل باشند. «روانشناسی دین در یک تعریف کلاسیک عبارت است از کاربرد نظام‌مند روش‌ها و چارچوب‌های

گفتاری در بازشناسی رابطه‌ی دین و روانشناسی ادامه...

محمد مهدی کرباسچیان

سطح زیرین آن پدیده‌های پیچیده موجودند» (ولف، ۱۳۸۶، ۵۱). بسیاری از منتقدین غربی روانشناسی دین - از جمله ماکس شلر، چارلز الیس و جی.اس.ام.کُن- نیز در انتقادات خود، همین جنبه‌ی تقلیل‌گرایی آن را مذکور داشته اند (همان).

ثانياً اگر بنا باشد روانشناسی دین به عنوان ابزاری برای دفاع از ساحت ادیان استفاده شود (همان طور که بعضی متکران دینی در پی آن بوده‌اند)، خوف آن است که آن جنبه‌هایی از دین که موردهمایت تجربی باشند، مقبول و جنبه‌های دیگر مردود تلقی گردد؛ یعنی آن دسته از گزاره‌های دینی (اعم از توصیفی و هنجاری^۷) که همسو با نتایج پژوهش‌های روانشناسی دین بود، پذیرفته شود و گزاره‌های دینی که مغایر با نتایج پژوهش‌ها بود، طرد گردد و این‌گونه، اساس دین و روزی - یعنی تعبد در برابر هدایت خالقی که انسان و جهان را بیش از هر کس دیگر می‌شandasد و عقل و بوده است.

منوههایی از مقالات مبنی بر این رویکرد را می‌توان در نشریه‌ی روانشناسی و دین^۸ مانند مقاله‌ی «رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان و تحول اخلاقی»^۹ یا نشریه‌ی Psychology of Religion and Spirituality متعلق به انجمن روانشناسی امریکا (APA) مشاهده کرد.

مناسب است در اینجا، به اشکالاتی که ممکن است بر رویکرد مذکور وارد شود، اشاره کنیم. با توجه به آن که در این رویکرد، دین تنها موضوع مطالعه‌ی روانشناسی با قام مختصات ساختاری و روشی و نظریه‌ای این دانش تجربی - قرار می‌گیرد، در مقایسه با رویکرد دوم - که متعاقباً وصف خواهد شد - در مورد آن مناقشات کمتری وجود دارد. لذا، هم در جغرافیای علم سکولار و هم در جغرافیای در حال تکوین علم دین، پژوهش‌های حوزه‌ی روانشناسی دین به‌وفور دیده می‌شود؛ با این حال، هم از منظر دینی و هم از منظر روانشناسی اشکالاتی بر این رویکرد وارد بوده است.

اشکالات برخاسته از دیدگاه دینی: او لاً گفته می‌شود مفاهیم دینی را - که امری قدسی هستند - می‌توان با ابزارهای مادی چون علم تجربی مطالعه کرد و این کار، باعث تنزیل جایگاه دین، از برنامه‌ی سعادت مادی و معنوی بشر تا حد یک مكتب مادی می‌شود. در این حالت، تفسیرهایی تقلیل‌گرایانه از دین ارائه خواهد شد که از حقیقت آن بهره‌ای اندک دارد. تقلیل‌گرایی که منشأ بحث بی‌پایان بر سر مشروعیت هرگونه تفسیر اجتماعی-علمی از دین بوده، در واقع «عبارت است از تبیین پدیده‌های دغدغه‌ای منطقی است و نباید با مسامحه از پیچیده برحسب فرآیندهای ساده‌تری که در

اشکالات

برخاسته از دیدگاه روانشناسی:
اگرچه بسیاری از روانشناسان ترکیب اضافی روانشناسی و دین را می‌پذیرند، اما بعضی از ایشان نیز آن را مতضمن ایرادهایی می‌دانند، ایرادهای مختلف و بعضی متناقض. یکی از این ایرادها معتقد بودن خود روانشناسان دین به دینی است که موضوع مطالعه‌ی آن‌هاست. در این صورت، بررسی بی‌طرفانه‌ی علمی موردن‌دردید خوانده شده است. بعضی دیگر، ایرادی دقیقاً در جهت مقابل مطرح می‌کنند و آن، خصوصتی شدید برعی روانشناسان با دین و همبستگی گرایش مثبت به روانشناسی با مخالفت آشکار با دین، طبق پژوهش‌های بی‌طرفانه‌ی دین مورد صورت نیز مطالعه‌ی بی‌طرفانه‌ی دین مورد مناقشه خواهد بود (همان، ۵۴ و ۵۵).

بسط بحث از حوصله‌ی این گفتار خارج است و علاوه‌مندان را به کتاب روانشناسی دین وolf ارجاع می‌دهیم.

آن عبور کرد. منتها این اشکال، به تناسب میزان تقابل روانشناسان دین به تقلیل‌گرایی، می‌تواند کم رنگ و پرنگ شود. برخی روانشناسان دین واقعاً تحلیل تقلیل‌گرایانه را بدون ترس می‌پذیرند و لذا مشمول ایراد مذکور هستند. برخی دیگر، تقلیل گرایی را مطلقاً طرد می‌کنند و با روش‌هایی چون بازسازی پیچیدگی^{۱۰} سعی در اجتناب از آن دارند و لذا در صورت موقفيت، کمتر مورد انتقاد مذبور قرار می‌گيرند. «اما اکثر طرفداران این رشته موضوعی بینایین دارند. نوعاً روانشناسی مضمون روانشناسی اشخاص مذهبی که از این بابت کمتر خطروناک است کنار می‌گذارند» (همان، ۵۲).

اشکال دوم نیز در صورتی وارد است که بخواهیم بررسی‌های تجربی روانشناسان را ملاک قبول یا رد گزاره‌های دینی بدانیم؛ اما اگر بدون آن که قبول گزاره‌های دینی را متوقف بر اثبات تجربی آن‌ها بدانیم و روانشناسی دین به عنوان وسیله‌ای برای فهم بیشتر دین استفاده شود، می‌تواند منبع مفیدی برای استفاده‌ی بهتر از دین در دنیا امروز و کشف حقایق ناشناخته‌ی شریعت الهی هم باشد. دین با منفعت انسان در تعارض نیست. بسیاری از احکام فقهی، اخلاقی و حتی بسیاری از معارف اعتقادی اسلام، هرچند در باطن خود غایت قرب الهی را در دنبال می‌کنند، فواید ظاهری مادی و معنوی، فردی و اجتماعی هم دارند و تذکر این فواید می‌تواند مصادق این روایت نیز باشد که: «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلِمَنَا لَتَّعُونُوا» (صدقه، ۱۴۰۴، ۱۴۰۴، ۲۷۵) (اگر مردم خوبی های کلام ما [أهل‌بیت] را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند) پس اشکال دوم نیز نه به ذات روانشناسی دین که به رویکرد ما در قبل رابطه‌ی دین‌داری با یافته‌های این علم برمی‌گردد.

۵. http://www.noormags.ir/view/fa/magazine/664/۱۱۵-۱۲۸.
۶. اعتمادی نیا، ح؛ ناروئی نصرتی، ر؛ احمدی، م.ر.
(۱۳۹۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان و تحول اخلاقی. روانشناسی و دین. شماره‌ی ۲۹.
۷. توصیفی: از جنس هست و نیست‌ها - هنجاری: از جنس باید و نبایدها
۸. ادوارد ویلسون، زیست جامعه‌شناس، تقلیل پدیده‌های مشهود به قواعد آزمون‌پذیر را هسته‌ی روش علمی می‌داند. با این حال او تأکید می‌کند که این فقط نیعی از ماجراست و برای رسیدن به تبیین درست، لازم است پیچیدگی پدیده‌ها از طریق عمل ترکیب (synthesis) (دوباره بازسازی شود (wolf، ۵۱، ۱۳۸۶)

گفتاری در بازشناسی رابطه‌ی دین و روانشناسی ادامه...

رویکرد دوم: روانشناسی دینی^۹

روانشناسی دینی به معنای گونه‌ای از روانشناسی است که از متون دینی استخراج شود (ولف، ۲۰۱۰) یا با معيارهای دینی تدوین شده باشد. در مورد این که این معيارها کدام اند و آیا اساساً «علم دینی» معنایی دارد یا نه و اگر دارد چگونه محقق می‌شود، چالش‌های جدی وجود داشته و دارد و این از مأموریت‌های کانون روانشناسی اسلامی است که مفصل‌به این مهم بپردازد. با این حال، در این مجال متعرض آن نمی‌شویم و صرفاً برای گشودن روزنه‌ای به بحث و تشویق به مطالعه‌ی بیشتر، به ذکر یک اشکال نسبت به علم دینی و پاسخ آن اشاره می‌کنیم:

هرست (۱۹۷۴) نشان می‌دهد علم دارای روش شناسی و ساختار منطقی معین و مستقل از پیش‌فرضهای دینی است. «بنابراین پیش‌فرضهای دینی را نمی‌توان برای علم لازم و ضروری دانست. در این حالت، تعبیر «علم دینی» بی معنا خواهد بود» (نقل در: باقری، ۱۳۹۰، ۳۶).

باقری (۱۳۹۰) در پاسخ، اولاً نشان می‌دهد هرچند پیش‌فرضهای دینی شرط لازم شکل‌گیری روش علمی نیستند، می‌توانند از جمله پیش‌فرضهای روانشناسی رفتارگرا با روانشناسی اسلامی ذکر می‌کند^۱ (همان، ۴۲-۳۸).

رویکرد سوم: مطالعه‌ی تطبیقی روانشناسی و دین

این رویکرد به بررسی حوزه‌های موضوعی مشترک با دو روش متفاوت دینی و روانشناسی اشاره دارد. «برخی محققان و دانشمندانی که هم به روانشناسی و هم به دین علاقه دارند، به جای آن که یک رابط دیگری کنند، می‌خواهند آن‌ها را به‌سوی گفتگویی دوجانبه و احترام‌آمیز سوق دهند» (ولف، ۱۳۸۶، ۲۹). عنوانی پژوهشی‌ای چون «هوش هیجانی؛ پیشینه و رویکردها از نگاه دین و روانشناسی. روانشناسی و دین. شماره ۱۵. ص.ص. ۹۷-۱۲۴. Psychology as Religion.^{۱۲}

محمد مهدی کرباسچیان

اول قرن حاضر، اهمیت «نظریه» در نیمه‌ی دوم

آن، هر چه بیشتر مورد توجه قرارگرفته است. بر

این اساس، حتی مشاهدات عالم، مستقیم و

محض نیست؛ بلکه به شدت تحت تأثیر زمینه

فکری و نظریه‌ای اوتست». لذا آنچه در قالب

منطقی علم ریخته می‌شود - یعنی نظریه- کاملاً

وابسته به پیش‌فرضهای فکری، فلسفی و

فرهنگی پژوهشگر است. مؤلف محترم همچنین

خطارنشان می‌سازد که این پیش‌فرضها به منزله

ابنایی است که فرضیه‌ها از آن استخراج شده و با

ترازوی شواهد تجربی، موربدرسی قرار می‌گیرند.

پس شواهد تجربی «در مقامی نیست که وجه

تعلق فرضیه‌ها به پیش‌فرضها را از میان بردارد»

و یا به تأیید یا ابطال پیش‌فرضها بپردازد. در این

صورت سخن گفتن از علمی با ساختار و روش

تجربی ولی برخاسته از پیش‌فرضهای دینی

ممکن خواهد بود. وی نوونه‌ای هم در مقایسه‌ی

پیش‌فرضهای روانشناسی رفتارگرا با روانشناسی

اسلامی ذکر می‌کند^۱ (همان، ۴۲-۳۸).

رویکرد سوم: مطالعه‌ی تطبیقی روانشناسی و دین

این رویکرد به بررسی حوزه‌های موضوعی

مشترک با دو روش متفاوت دینی و روانشناسی

اشارة دارد. «برخی محققان و دانشمندانی که

هم به روانشناسی و هم به دین علاقه دارند، به

جای آن که یک رابط دیگری کنند، می‌خواهند

آن‌ها را به‌سوی گفتگویی دوجانبه و احترام‌آمیز

سوق دهند» (ولف، ۱۳۸۶، ۲۹). عنوانی

پژوهشی‌ای چون «هوش هیجانی؛ پیشینه و

رویکردها از نگاه دین و روانشناسی»^{۱۱} نوونه‌ای

از پژوهش با این رویکردند.

روانشناسی دین

روانشناسی دینی

مطالعه‌ی تطبیقی روانشناسی و دین

روانشناسی دین مابانه یا دین روانشناسانه

منابع و مأخذ

۱. باقری، خ. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه). کتاب اصلی در سال ۱۳۸۴ منتشرشده است.
۲. صدقو، م. ع. (۱۴۰۴). عيون اخبار الرضا. جلد دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. بازیابی در ۲۳ فروردین ۱۳۹۵ از:

<http://lib.eshia.ir/14032/2/275>

۳. وولف، د. ام. (۱۳۸۶) روانشناسی دین.

ترجمه‌ی محمد دهقان. تهران: رشد

Wulff, D. M. (2010). Psychology of Religion. In David A. Leeming. (Ed.), Encyclopedia of Psychology and Religion. Retrieved in 10 April 2016 from:
<http://link.springer.com/book/10.1007/978-1-4614-6086-2>



Religious Psychology.^۹

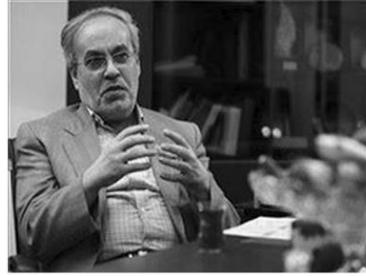
۱۰. توصیه می‌شود خوانندگان محترم حتیماً به اصل منبع مراجعه فرمایند و به این تلخیص سطحی بسته نکنند.
۱۱. میر دریکوندی، ر. (۱۳۹۰). هوش هیجانی پیشینه و رویکردها از نگاه دین و روانشناسی. روانشناسی و دین. شماره ۱۵. ص.ص. ۹۷-۱۲۴. Psychology as Religion.^{۱۲}

مصاحبه

کانون روانشناسی اسلامی قصد دارد در راستای آشنایی مخاطبان، با نظرات استاد محقق

دانشگاه در رابطه با علوم انسانی اسلامی، در هر شماره از نشریه شاکله، بخشی را به مصاحبه با یکی از استادی اختصاص دهد.

در این شماره، به گفتگو با استاد ارجمند جناب آقای دکتر پورحسین، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران نشستیم.
برای آشنایی با نظرات ایشان، با ما همراه باشید...



تحلیل شما از وضعیت کنونی علوم انسانی در کشور چیست؟

وضعیت کنونی علوم انسانی وضعیت خوب ندارد. مهمترین شاخص اینکه وضعیت خوب نیست، عدم مرجعیت علوم انسانی در گستره علوم انسانی جهان است. البته در برخی جنبه‌های علوم انسانی موفقیت هایی به دست آورده‌ایم و جنبه بومی بودن آن تقویت شده است؛ اما در مجموع ضمن آنکه مرجعیت ندارد، سایه ترجمه بر آن سیطره دارد.

آیا علم جهانی است و شرقی و غربی ندارد؟
اولاً بلوکبندی شرق و غرب مدتی است که مطرح نی شود. غرب، هویت ایدئولوژیک و سیاسی و همچنین وجه فرهنگی خود را حفظ کرده است اما چیزی به نام فرهنگ شرق نداریم. دلیل آن است که بلوکبندی شرقی نداریم. در دنیای غیر

توجه ملت‌ها به داشته‌های خودی است. درست است که علم ماهیت جهان‌شمولی دارد، اما توجه به مبانی انسان‌شناختی مادی و یا الهی و همچنین توجه به مسائل خاص فرهنگ‌ها، اقتضا می‌کند که علوم انسانی ابتدای خود را بر انسان‌شناصی الهی و یا انسان‌شناصی مادی بگذارد. به همین دلیل در این زمان، جهان‌بینی‌ها تعیین کننده تقسیم‌بندی علوم انسانی می‌شوند.

الحادی، مسیر علوم انسانی و یافته های آن را تغییر می‌دهد. اگر فرهنگ نقد و انتقاد به عنوان یک روش منطقی و یک روایه علمی در دانشگاه‌های ما رایج شود و در این راه استادی هم کمک کنند، علوم انسانی به تدریج غربال می‌شوند.

فرهنگ نقد و انتقاد به عنوان یک روش منطقی و یک روایه علمی در دانشگاه‌های اسلامی شناصی است. انتخاب انسان‌شناصی الهی و یا انسان‌شناصی اوامانیستی و یا الحادی، مسیر علوم انسانی و یافته های آن را تغییر می‌دهد.

مبنای علوم انسانی، انسان شناصی است. انتخاب انسان‌شناصی الهی و یا انسان‌شناصی اوامانیستی و یا الحادی، مسیر علوم انسانی و یافته های آن را تغییر می‌دهد.

ضرورت اسلامی سازی علوم انسانی چیست؟
مهمترین ضرورت آن این است که یافته‌های علمی بر حقیقت انسان و جامعه و فرهنگ خودی، منطبق باشد و گرنه یافته‌های علمی غیر منطبق، کارآمدی خود را از دست می‌دهند. در علوم انسانی، یافته‌ها و قوانینی داریم که حاکم بر حیات روانی انسان‌ها هستند و ربطی به فرهنگ‌ها و اقلیم‌ها ندارند، اما قوانینی هم یافت می‌شوند که بر یک فرهنگ خاصی حاکم هستند. پس فرهنگ و بوم، می‌تواند وجه تمیز یافته‌های علوم انسانی شود.

در زمینه‌ی اسلامی سازی علوم انسانی، وظایف نظری و عملی دانشگاه‌هایان (مدیران، استادی و دانشجویان) و حوزویان (مدیران، استادی و طلاب) چیست؟

اوین قدم، آشنایی و آشناسازی با مبانی دینی بخصوص انسان‌شناصی دینی است. قدم بعدی آشنایی با معرفت‌شناصی دینی است؛ و قدم بعدی فراگرفتن همه نظریات علمی اعم از نظریاتی که از غرب آمده است و یا غیر آن و سپس نقد کردن آن‌ها. اگر فرهنگ نقد و انتقاد به عنوان یک روش منطقی و یک روایه علمی در دانشگاه‌های ما رایج شود و در این راه استادی هم کمک کنند، علوم انسانی به تدریج غربال می‌شوند. آنچه در دانشگاه‌های ما تقریباً تغطیل است، نقد است. دانشجویان صرفاً می‌شوند و جزو نویسی می‌کنند بدون آنکه آن را نقد کنند. البته برای یک نقد منطقی، همان‌طور که گفتم، نیاز به منطق، مطالعات انسان‌شناصی و معرفت‌شناصی داریم. دانشگاه‌ها و استادی باید برای کتاب‌ها و نظریات گوناگون، کتاب نقد بنویسند و آن را در اختیار دانشجویان قرار دهند. متأسفانه در این مورد کم کاری

زیادی داریم. شاید یک دلیل آن رعب فرهنگی اکثر استادی نسبت به نظریات رایج است.

معرفی مراکز

پیشیر اسلامیان-علی مهرگان

انسان تأکید دارد و موضوعاتی از قبیل فضیلت‌ها، شادکامی، امید، بهایاشی، رضایت از زندگی، معنویت و ... را به روش علمی بررسی می‌کند. این نزدیکی و قرایت موضوعی سبب شد جمعی از صاحب‌نظران به فکر تأسیس رشته روانشناسی اسلامی (گرایش مشتبه نگ) بفتند.

اولین مرکزی که اقدام به پذیرش دانشجو در این رشته نمود، دانشگاه قرآن و حدیث است. موسسه

دارالحدیث که از سالیان گذشته متمرکز بر مباحث قرآنی و حدیثی بوده است در مهرومومهای اخیر به موضوعات دوازشناختی، نیز ۹۱، آورده است.

پژوهشکده اخلاق و روانشناسی اسلامی این موسسه به ریاست حجت‌الاسلام دکتر پسندیده در مهرموم های گذشته پژوهش‌های پژوهی در زمینه روانشناسی اسلامی به انجام رسانده است. کتاب‌هایی از قبیل

«الگوی اسلامی شادکامی» (اثر شایسته تقدیر در کتاب سال حوزه و کتاب سال جمهوری اسلامی) به قلم دکتر پسندیده و «درآمدی بر روانشناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی» به قلم دکتر محمدصادق شجاعی، بخشی از کتاب‌ها و پژوهش‌های پژوهشکده اخلاق و روانشناسی اسلامی می‌باشد. از فعالیت‌های اخیر و قابل توجه این پژوهشکده، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهشنامه روانشناسی اسلامی» است که اولین شماره آن زمستان ۹۴ به چاپ رسید. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت این شماره یا شماره‌های آینده و همچنین ارسال آثار علمی پژوهشی خود به نشانی Psychology.righ.ac.ir مراجعه فرمایند.

دانشگاه قرآن و حدیث تاکنون در سه دوره اقدام به پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا نموده است. در این دانشگاه مباحث مربوط به روانشناسی مثبت‌گرا در قالب دروس «سلامت و شادکامی، هوش هیجانی، انگیزش درونی، کلیات و مفاهیم، زبان تخصصی، صفات و انگیزه‌های مثبت، روابط مثبت، بازسازی مثبت مشاوره

کانون روانشناسی اسلامی قصد دارد در هر شماره از نشریه‌ی شاکله، به معرفی یکی از مراکز فعال در زمینه‌ی علوم انسانی اسلامی و روانشناسی اسلامی بپردازد. مطلب پیش رو توسط آقایان بشیر اسلامیان و علی مهرگان برای نشریه فرستاده شده است.

معرفی رشته «روانشناسی اسلامی»

دانشگاه قرآن و حدیث»

گر از آن دست افرادی هستید که به موضوعات روانشناسی اسلامی علاقه‌مند هستید یا از آن‌ها یار هستید که روانشناسی اسلامی را قبول ندارید و آن را مفهومی متناقض می‌پنداشید و یا لااقل کنجکاو شده اید که بدانید این «روانشناسی اسلامی» چیست که بر سر زبان‌ها افتاده، خواندن متن پیش رو را از دست نذهید!

آموزه‌های مستند به قرآن و حدیث دربردارنده معارف اصیل و والایی در ابعاد گوناگون علوم انسانی هستند. گچه داشمندان و پژوهشگران مسلمان درگذر زمان با تلاش علمی خود، دیدگاه‌های دینی را در دانش فقه، کلام، تفسیر و ... استخراج و طبقه‌بندی کرده‌اند ولی یکی از ابعاد ناشناخته دین، ساحت روان‌شناختی آن است. آیات قرآن کریم و احادیث پیشوایان دین (ع)، هرچند با هدف هدایت و تربیت انسان‌های شایسته بان شده اما متنی بر قواعد خاص روان‌شناختی

هستند که به تلاش و پیگیری علمی و روشناندah نیاز است تا این قواعد پنهان، کشف شوند و به نظریه‌های علمی تبدیل شوند. از سوی دیگر از بین شاخه‌های مختلف روانشناسی آن گرایی‌شی که ارتباط بیشتری با موضوعات اسلامی پیدا می‌کند، «روانشناسی مثبت‌گرای» است. روانشناسی مثبت‌گرای که درواقع به عنوان مکملی برای روانشناسی بالینی مطرح می‌شود بیشتر بر جنبه های مثبت وجود (به جای جنبه‌های منفی و کمیودها) است.

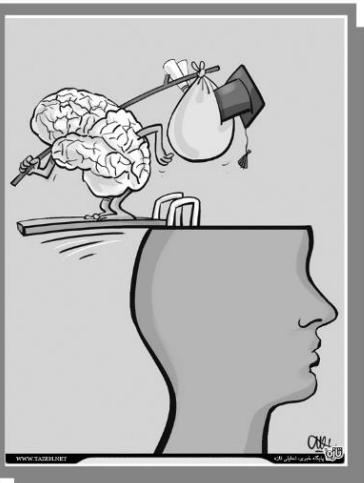
به عنوان سوال آخر، نظر شما در رابطه با وضعیت موجود رشته‌ی روانشناسی در کشور چیست؟ آیا روانشناسی موجود امکان اسلامی شدن دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، به نظر شما این کار به چه شکل باید صورت گیرد؟

است؟ نظریات مغلق ملانی کلاین تجربی است؟ و دهها مثال دیگر. پس ممکن توان ملاک علمی بودن را تنها تجربی بودن دانست. بلکه بر اساس معرفت شناسی، ملاک‌های متفاوتی برای علمی بودن آگاهی و علم وجود دارد که باید دوباره بررسی کرد.



مبانی تجربی بودن را قبول نکیم بسیاری از مقاومت نظریات فعلی هم غیرعلمی خواهند بود. اگر ملاک تجربی بودن است، آرکی تایپ یونگ تجربی است؟ لبیدو فروید تجربی است؟ عقده با تشکر از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر پورحسین برای زمانی که در اختیار ما قراردادند. در شماره‌های بعدی نشریه‌ی شاکله، منتظر گفتگوهای داغ ما با سایر اساتید باشید...

معرفی کتاب



چرا با وجود پذیرش بالای سالنهی دانشجو در دانشگاهها، هنوز هم ایران پیشرفت چندانی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... ندارد؟؟ مگر جز این است که آینده و آبادانی یک کشور در دستان جوانان آن است، و باید قام سرمایه‌ها صرف سرمایه‌گذاری بر روی جوانان شود، تا آن‌ها با نیرو و پشتکار بیشتر علم خود را به عمل درآورند؟ چه می‌شود که جوانان و دانشجویان این مژده‌بوم، همه چیز را رها می‌کنند و راهی دانشگاه‌های ممالک دیگر می‌شوند؟

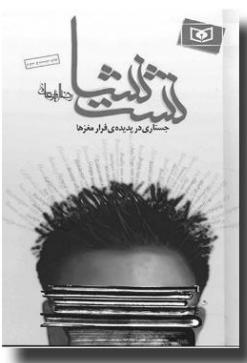
تابه‌حال شده که به مسئله‌ی فرار مغزها بصورت موجزتر و دقیق‌تر نگاه کنیم؟ امیرخانی در «نشتشنا» پدیده‌ی فرار مغزها را بصورت دقیق‌تری بررسی می‌کند. و اینکه چه راهکارهای بلندمدت و کوتاه‌مدت باید اتخاذ کرد تا دانشجویان به تولید علم و بومی‌سازی آن پردازند؟ خواندن این کتاب از رضا امیرخانی خالی از لطف نیست. تا شاید ما نیز کمی جدی‌تر به این مهم بیندیشیم.

بخشی از کتاب:

«نشتشنا را معادلی گرفته‌ام برای پدیده‌ی مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها. تعبیر فرار را هیچ‌گاه نپسندیده‌ام. فرار، بار معنایی تندی دارد. خیلی تندتر از مسافت قانونی برویچه‌ها. از آن طرف نخبه‌گان را نیز تعریف جامع و مانعی نمیدانم برای آن‌ها که می‌روند. همه‌ی آن‌ها که می‌روند در نخبه‌گی یعنی نخبه‌بودن مشترک نیستند...»

مشخصات کتاب:
نام کتاب: نشت نشا؛ جستاری در پدیده‌ی فرار مغزها

نویسنده: رضا امیرخانی
انتشارات: انتشارات قدیانی
سال انتشار: ۱۳۸۸
تعداد صفحات: ۱۰۲ صفحه



۱. روان‌دemanی مثبت‌گرایی، حدیث و روانشناسی مثبت، روانشناسی دین و روانشناسی اخلاقی، ارائه می‌شود.
۲. نقد و بررسی کتاب روانشناسی در قرآن اثر حجت الاسلام دکتر کاویانی با حضور مؤلف و ناقد (دکتر براتی)
۳. معرفی و ارائه نرم‌افزار پژوهش نگار
۴. ارائه پایان‌نامه دکتری استاد محمدصادق شجاعی با عنوان ساختار شخصیت بر اساس منابع اسلامی در چارچوب رویکرد صفات
۵. معرفی مبانی حدیث و فلسفی الگوی شخصیت شناسی موسسه فرهنگی انشاء (اصفهان) با حضور مدیر موسسه حجت‌الاسلام میرزا
۶. شاخصه‌های طلبه و دانشجوی تراز انقلاب اسلامی و نقش علوم قرآن و حدیث در تحول علوم انسانی با حضور استاد رحیم‌پور ازگدی همچنین ویلاگ و کانال این انجمن به آدرس زیر آماده ارائه خدمات می‌باشد.

islamic-positive-psychology.persianblog.ir
telegram.me/darolhadithislamicpsychology

امید است با ارائه نظرات خود به آدرس ذیل، ما را در هر چه‌بتر شدن فعالیت‌هایمان یاری کنید.
bashireslamian@yahoo.com

یکی از بخش‌هایی که اخیراً حضور چشم‌گیری در این دانشگاه داشته است، «انجمن علمی روانشناسی اسلامی» می‌باشد. این انجمن با بهره‌گیری از اساتید حوزوی و دانشگاهی تووانسته است جلسات و میزگردی‌های مفیدی در زمینه تحول علوم انسانی، روانشناسی اسلامی و مباحث پژوهشی برگزار کند که عناوین آن عبارت‌اند از:

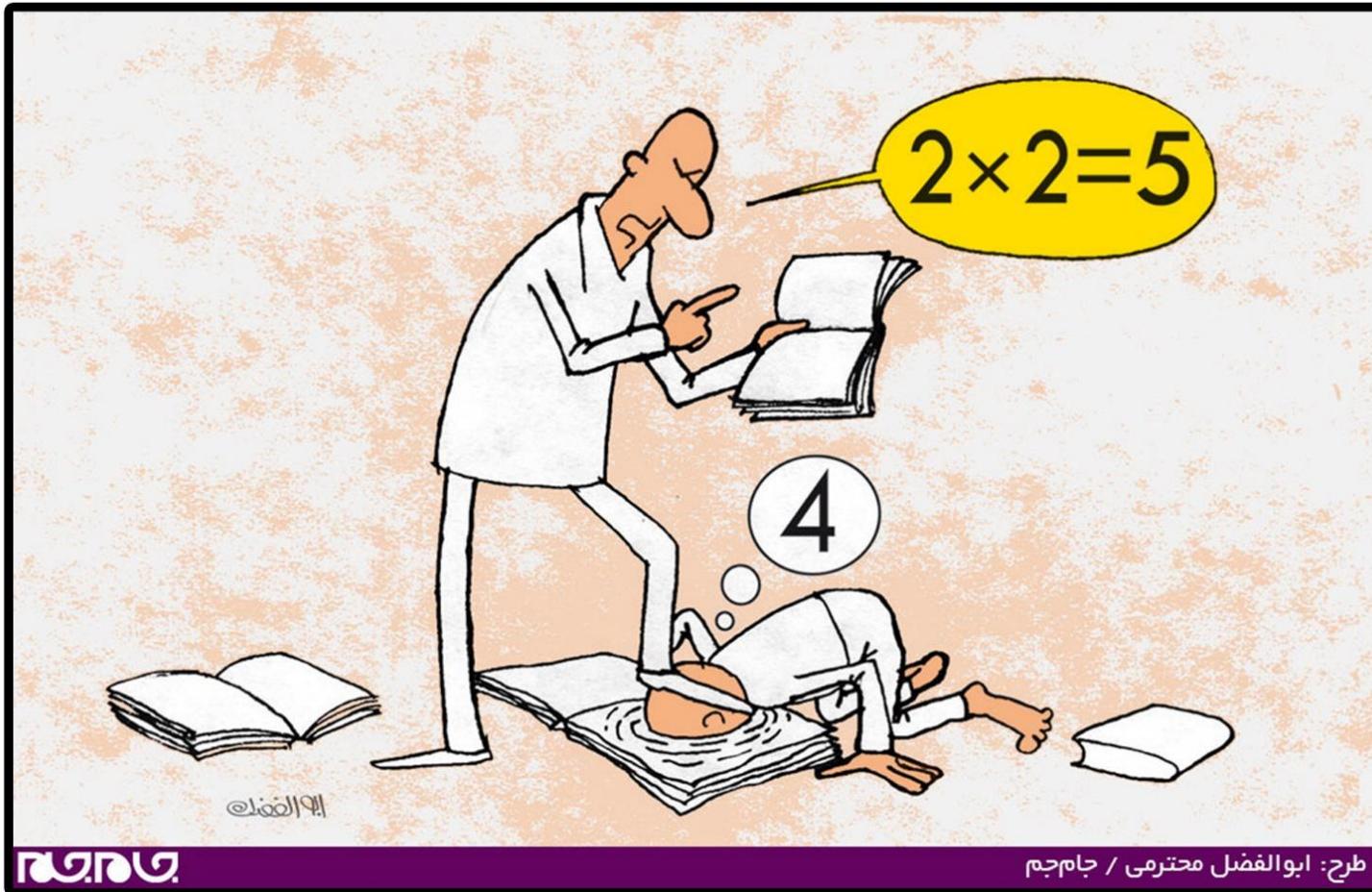
۱. معرفی الگوی حکمی-اجتهادی در تولید روش شناسی علوم انسانی اسلامی توسط حجت‌الاسلام دکتر خسرو پناه به همراه نمایشگاه کتب، مجلات و نرم افزارهای تخصصی علوم انسانی اسلامی و روانشناسی



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قرآن و حدیث

The University of Quran and Hadith



طرح: ابوالفضل محترمی / جام جم

دستگرد

برداشت آزاد...